

## چیستی تروریسم جدید و ویژگی‌های آن<sup>۱</sup>

بهنام بهاری bahariodlo@gmail.com

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

مهدی بخشی شیخ احمد mbakhshi79@gmail.com

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر- ضمن بررسی پدیده‌ی تروریسم مدرن و بحث و بررسی مختصات و ویژگی‌های آن- واکاوی تروریسم جدید و تفاوت‌هایش با انواع قدیمی‌تر می‌باشد. فرضیه‌ی مقاله بدین قرار می‌باشد که: ویژگی اصلی تروریسم جدید استفاده از مذهب بوده، بر همین اساس نیز تفاوت‌های فاحشی با انواع قدیمی‌تر تروریسم دارد. این نوع از تروریسم بین‌المللی بوده، شهروندان عادی را بیشتر از نظامیان مورد هدف قرار می‌دهد. هم‌چنین از تکنولوژی‌های جهانی ارتباطات و اطلاعات استفاده می‌کند. از اهمیت رسانه‌های همگانی برای تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی آگاه بوده، بر استفاده از آن تأکید می‌کند. از نظر نظامی نیز از آخرین پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌های موجود در زمینه تسلیحات نظامی بهره‌مند است. در مورد منابع مالی همانند کارت‌های قاچاق دارو عمل می‌کند، و علاوه بر همه اینها، اطلاعات کافی در مورد سلاح‌های بیولوژیکی نیز در اختیار این نوع از تروریسم قرار دارد که هر زمان اراده کند می‌تواند از آن استفاده کند. تروریسم جدید بیشتر از کشورهای پیشرفته در کشورهای در حال توسعه به وجود می‌آید و این امر نتیجه‌ی واکنش آنها به بحران به وجود آمده در مدرنیسم است.

**واژه‌های کلیدی:** تروریسم، امواج تروریسم مدرن، تروریسم جدید.

۱. این مقاله مستخرج از طرحی است با همین نام که با حمایت مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل انجام یافته است

پدیده‌ی تروریسم از دیرباز در رابطه‌ی قدرت و سیاست، در جوامع به وقوع پیوسته است؛ اما در دو دهه‌ی اخیر به شکل شگفت‌انگیز و خطرناکی گسترش پیدا کرده است که گاه از آن به تروریسم مدرن و حتی تروریسم پست مدرن یاد می‌شود. مشخصه‌ی تروریسم در دوران معاصر، کشیده شدن مردم به صحنه‌ی جنگ و قدرت و استفاده از آنان در اتخاذ راهبردهای مستقیم و غیرمستقیم برای کسب قدرت و امتیاز است. به همین دلیل نیز بررسی پدیده‌ی تروریسم در کانون توجه مطالعات علوم انسانی در رشته‌های مختلف قرار گرفته است. با وجود اینکه مراکز مطالعاتی و پژوهشی زیادی در دانشگاه‌های معتبر جهان تأسیس شده‌اند که به طور ویژه به تحقیق در مورد پدیده تروریسم مدرن می‌پردازند؛ اما در ایران علی‌رغم اینکه در کانون این بحران قرار گرفته است، پژوهش‌های در خور توجهی در این باره صورت نگرفته است. بدین سان پرداختن به آن هم به دانش و ادبیات در این حوزه می‌افزاید و هم به عنوان یک داده<sup>۱</sup> به تصمیم‌گیری و سیاستگذاری در کشور در جهت رفع تهدید و حفظ امنیت ملی و بین‌المللی از یک سو و سیاستگذاری خارجی درست در مواجهه با آن از سوی دیگر، کمک خواهد کرد.

هدف از مقاله حاضر- ضمن بررسی پدیده‌ی تروریسم مدرن و بحث و بررسی مختصات و ویژگی‌های آن- واکاوی تروریسم جدید و تفاوت‌هایش با انواع قدیمی‌تر می‌باشد. چارچوب مقاله‌ی حاضر چهار موج تروریسم مدرن می‌باشد که از اواخر قرن نوزدهم شروع شده است. با این همه موج چهارم یعنی تروریسم مذهبی را با عنوان تروریسم جدید بررسی می‌کند؛ زیرا این موج از تروریسم معاصر که از دو دهه قبل شروع شده است، تفاوت‌های فاحشی با سه موج قبلی دارد و شاخص‌های جدیدی را برای تروریسم ارائه کرده است.

بر اساس آنچه که مطرح شد، سؤال اصلی پژوهش حاضر این می‌باشد که مختصات و ویژگی‌های تروریسم جدید چیست؟ فرضیه‌ی مقاله نیز بدین قرار است: ویژگی اصلی تروریسم جدید استفاده از مذهب بوده و بر همین اساس نیز تفاوت‌های فاحشی با انواع قدیمی‌تر تروریسم دارد. تروریسم جدید پیش از پیدایش عصر مدرن متصور نبود و از این رو به یک معنا حاصل مدرنیته و مدرنیسم است، هر چند در ضدیت با آن است. تروریسم جدید گرایشی ابزاری به

مدرنیته دارد چرا که از نوسازی در حوزه‌های اقتصادی حمایت می‌کند ولی بنیادهای ارزشی و فرهنگی آن را نفی می‌کند.

### تروریسم

متعارف‌ترین شروع در بحث از تروریسم، تلاش برای تعریف آن می‌باشد. آیا تروریسم چیزی شبیه به جنگ‌های چریکی می‌باشد؟ آیا آدم ربایی و ترور رهبران سیاسی را نیز شامل می‌شود؟ آیا این واژه می‌تواند تحت فشار قرار دادن شهروندان توسط دولت را - همانند دوره استالین - نیز تحت پوشش قرار می‌دهد؟ آیا می‌توان انقلابیون و جنگجویان آزادی را از تروریست‌ها جدا کرد؟ سؤال‌های متعدد دیگری را نیز می‌توان در این مورد مطرح کرد که همه آنها باعث شده‌اند تا تروریسم به یکی از بحث برانگیزترین مفاهیم در علوم اجتماعی تبدیل شود.<sup>۱</sup> صرف نظر از مشکل تشخیص و تمایز میان تروریسم و بنیادگرایی، جنگ‌های چریکی، جرم و جنایت و نیز قتل‌های سریالی، گزاره مشهور «یک تروریست از منظر دیگری یک جنگجوی آزادی محسوب می‌شود»، در اغلب موارد به عنوان مشکل تعریف تروریسم برجسته می‌شود. در واقع ممکن است از یک دیدگاه شخصی که حملات کشنده‌ای انجام می‌دهد یک تروریست قلمداد شود، اما در نقطه مقابل از دیدگاه کسانی که این عمل را انجام می‌دهند و طرفدارانشان، او یک قهرمان و جنگجوی در راه آزادی و آرمان خود محسوب شود.

بی‌شک نمی‌توان هیچ تعریفی از تروریسم به دست داد که جامع همه‌ی انواع گوناگون این پدیده را در طول تاریخ در برگیرد؛ اما با این حال منظور از گروه‌های تروریستی در این مقاله، جنبش‌ها یا سازمان‌هایی هستند که خشونت سیستماتیک حربه‌ی اصلی‌شان بوده است. بر همین اساس تروریسم تاکتیکی است حساب شده که از انگیزه‌های سیاسی برانگیخته شده و از زور یا خشونت - علیه حکومتها، مردمان یا افراد - استفاده می‌کند و تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی نقش اصلی را در آن ایفا می‌کند. ( Weinberg& Pedahzur& Hirsch-Hoefler, )

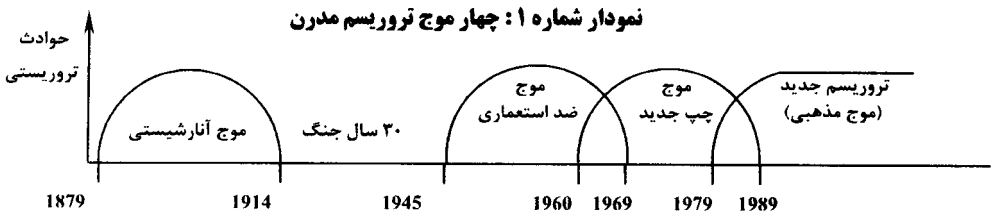
۱. برای بررسی بحران معنا و معضل تعریف تروریسم به منابع زیر مراجعه شود:  
- بدی، توماس جی.، «تعریف تروریسم بین المللی: نگرش علمی»، ترجمه سید رضا میر طاهر، مجله مطالعات راهبردی، شماره ۵ و ۶، پاییز و زمستان ۱۳۷۸، صص ۲۴۸ - ۲۵۱ و:  
- سلیمانی، رضا، «آشفتنی معنایی تروریسم»، علوم سیاسی، سال نهم، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۸۵، صص. ۱۸۱ - ۱۹۷

786: 2004) در این عمل قانون زیر پا گذاشته می‌شود و هدف بیشتر ایجاد ترس در گروه بزرگی از مردم است (Manin, 2008: 163) تروریسم جدید با گونه‌های گذشته، این تفاوت را دارد که قربانیان آن اغلب شهروندان بی‌گناهی هستند که یا به طور تصادفی انتخاب شده‌اند یا آنکه صرفاً به طور اتفاقی در موقعیت‌های تروریستی حضور داشته‌اند. (The new Encyclopedia Britannica, 1986: 650) بدین سان تروریسم را می‌توان به مثابه ابزاری در نظر گرفت که از هشت جزء تشکیل شده است؛ تروریسم ۱. یک عمل عمدی، ۲. منطقی، ۳. خشونت آمیز، ۴. دارای هدف سیاسی و ۵. وحشت آفرین می‌باشد و ۶. از قوانین متعارف جنگ‌ها پیروی نمی‌کند، ۷. اهداف خودش را از بین جامعه انتخاب می‌کند و ۸. خواستار این است که رفتار بخصوصی را در جامعه مورد نظر تغییر دهد. (Garrison, 2003: 41; & Shughart, 2006: 9)

#### چهار موج تروریسم مدرن

تروریسم مدرن را به چهار موج تقسیم کرده‌اند (نمودار شماره ۱). اولین موج که به موج آنارشیستی معروف است، در دهه‌ی ۱۸۸۰ شروع شد و به مدت چهل سال ادامه پیدا کرد. به دنبال آن و در دهه‌ی ۱۹۲۰، موج ضد استعماری شروع شد و عمدتاً در دهه‌ی ۱۹۶۰ از بین رفت. اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰، موج چپ جدید متولد شد و تقریباً تا دهه‌ی ۱۹۹۰ به صورت لجام گسیخته‌ای ادامه یافت و هنوز هم در بعضی از کشورها از قبیل سریلانکا، اسپانیا، پرو و کلمبیا گروه‌هایی از آن فعال می‌باشند. چهارمین موج یا موج مذهبی از اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ شروع شد و اگر دنباله‌ای از امواج قبلی در نظر گرفته شود، هنوز هم ادامه دارد. (Rapaport, 2004: 47) این چهار موج تشابهات زیادی با یکدیگر دارند؛ اما لزوماً یکسان نمی‌باشند. هر یک در محل متفاوتی شروع شده و سایر گروه‌های شورشی را نیز درگیر کرده‌اند. علاوه بر این، اغلب از اهداف و تاکتیک‌هایی استفاده می‌کنند که آنها را از موج‌های دیگر متمایز می‌سازد (Ibid: 49)

نمودار شماره ۱: چهار موج تروریسم مدرن



برجسته ترین دلایل شروع موج اول دکترین سیاسی و پیشرفت تکنولوژی بوده است. نویسندگان روسیه به ویژه باکونین و کروپتکین، دکترین یا استراتژی ترور را به وجود آوردند.<sup>۱</sup> دگرگونی در الگوهای ارتباطات و حمل و نقل نیز باعث منقبض شدن زمان و مکان گردید. هیچ جزوه، کتاب و یا همایشی نبود که در این دوره بتواند توده‌های مردم را برانگیزاند، حتی انقلابیون نیز به این باور رسیده بودند که شکل جدیدی از پیام نیاز است تا بتواند خواسته‌های مورد نظر آنها را برآورده سازد. چنین نیازی به وسیله‌ی ترور برطرف شد. هیچ کس نمی توانست آن را نادیده بگیرد، در نتیجه تکرار اعمال تروریستی برای انقلاب ضروری به نظر می‌رسید. در واقع ترور، سریعترین و مؤثرترین وسیله برای نابودی سنتها بود (Ibid: 49-51).

پایان جنگ جهانی دوم، سرآغاز حیاتی دوباره برای موجی از تروریسم شد که قبل از دهه‌ی ۱۹۲۰ نیز در جریان بود. این موج از تروریسم که به تروریسم ضداستعماری شهرت یافت، بیشتر در خدمت ملی‌گرایی و تمایلات جدایی خواهانه‌ی نژاد پرستانه قرار گرفت؛ اما چیزی که بعد از جنگ جهانی دوم در این موج تازگی داشت این بود که اولاً تکنولوژی پیشرفت کرده بود و طبعاً تروریست‌ها نیز از آن بهره‌مند می‌شدند؛ و ثانیاً به موازات ضعیف شدن قدرت‌های استعماری اروپا و تغییر محل قدرت جهانی از اروپا به آمریکا، موج ضداستعماری تروریسم در شمال آفریقا، مدیترانه و آسیا در خدمت جنبشهای آزادیبخش ملی قرار گرفت. این موج توانست در بعضی از کشورها از قبیل مصر و الجزایر به پیروزی دست یافته و این کشورها را به استقلال برساند. (Shughart, 2006: 13-19)

ضرورت روانی موج سوم یا موج چپ جدید را جنگ ویتنام به وجود آورد. این جنگ دوگانگی زیادی را درباره‌ی ارزش‌های سیستم موجود، بخصوص در میان جوانان غربی، به وجود آورد. گروه‌هایی که در موج سوم ظاهر شدند، در اغلب موارد، رادیکالیسم را با ناسیونالیسم ترکیب کردند (گروه اتا در اسپانیا، ارتش سری ارمنی برای آزادی ارمنستان و ارتش آزادی‌بخش ایرلند). واژه‌ی تروریسم بین‌المللی - که در طول موج آنارشیستی به کرات استفاده می‌شد- برای معرفی مبارزان موج چپ جدید، احیاء شد. در واقع ویژگی انقلابی، پیوند مهمی میان گروه‌هایی که از ملیت‌های مختلف بودند، ایجاد می‌کرد. هواپیمای ربانی برجسته ترین تاکتیک مورد استفاده در این موج بود که در طول دهه‌ی ۱۹۷۰ بیش از صد بار اتفاق افتاد. آدم ربانی نیز تاکتیک دیگر

این موج بود که در طول چهارده سال و بعد از ۱۹۶۸، ۴۰۹ مورد در کشورهای ایتالیا، اسپانیا و آمریکای لاتین به وقوع پیوست (Rapaport, 2004: 54-56; Shughart, 2006: 20).

موج مذهبی در اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ شروع شد.<sup>۱</sup> در موج‌های قبلی نیز معمولاً مذهب نقش مهمی داشته است؛ همانطور که مبارزات ارمنیان، مقدونیان، ایرلندیان، قبرسیان، اسرائیلیان، و فلسطینیان نشان می‌دهد، فعالیت‌های مذهبی و قومی نیز در مبارزات آنها وجود داشته است؛ اما تنها در این موج است که مذهب نقش بسیار متفاوت و مهمی ایفا می‌کند. (Rapaport, 2004: 58) در واقع یکی از خصوصاتی که به تروریسم فعلی صفت جدید بخشیده است، سوءاستفاده از مذهب می‌باشد. مذهب صرفاً وسیله‌ای برای مشروعیت بخشیدن به خشونت می‌باشد و چنین گروه‌هایی فقط می‌خواهند با توجیح مذهبی مردم را نسبت به خود بدبین نکنند. بر همین اساس آنها همچون سابق به اهداف سیاسی خود پایبند بوده و آنها را دنبال می‌کنند (Tucker, 2001: 6). اما با این همه، درهم تنیدگی انگیزه‌های مذهبی و اهداف سیاسی، باعث شده است تا تمایزگذاری میان جنبه‌های مذهبی و سیاسی گروه‌های تروریستی مذهبی مشکل شود (Ranstorp, 1996: 42). بدین سان تروریسم جدید از دل تروریسم مذهبی بیرون آمد و تفاوت‌های فاحشی با سه موج اول تروریسم مدرن دارد.

### تروریسم جدید

بسیاری از تحلیل‌گران بر این باورند که از میانه‌ی دهه‌ی ۱۹۹۰ تروریسم به سمت شکل جدیدی تغییر جهت داده که خصوصیات جدیدی نیز پیدا کرده است. به نظر می‌رسد تروریسم جدید دارای بازیگران، انگیزه‌ها، اهداف، تاکتیک‌ها و اعمال جدیدی می‌باشد که با نوع قدیمی تروریسم که در میانه‌ی قرن بیستم در جریان بود، متفاوت می‌باشد. به تعبیری تروریسم جدید را تروریسم پست‌مدرن نیز نامیده‌اند. بر این اساس، تروریسم جدید «در چارچوب اهداف و قالب‌های مدرن همچون قدرت طلبی، منفعت‌جویی و یا ملیت‌گرایی نمی‌گنجد و اهداف و قالب‌های غیر مدرن یا فرا مدرن همچون مذهب، هویت و جهانی شدن برای توضیح آن لازم است.» در واقع عوامل تروریسم جدید «صرفاً به رستگاری پس از مرگ می‌اندیشند و سود و زیان دنیوی و عقلانیت مدرن در محاسبات آنها جایی ندارد» (پور سعید، ۱۳۸۵: ۸۲۴-۸۲۵)؛ اما پیش از بررسی

۱. برای بررسی دلایل به وجود آمدن تروریسم مذهبی، رجوع کنید به (بخشی شیخ احمد، ۱۳۸۷)

تروریسم جدید، نگاهی به ویژگی‌های تروریسم قدیمی که در سه موج اول تروریسم قابل مشاهده است، می‌تواند ما را در فهم هر چه بیشتر و بهتر تروریسم جدید یاری رساند.

تروریسم قدیمی به طور مشخص از انگیزه‌های غیرمذهبی یا سکولار برانگیخته شده و دارای اهداف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قابل تعریف بودند. بسیاری از عملیات‌های تروریستی یا برای بدست آوردن سرزمین (تروریسم جغرافیایی) و یا تحقق اهداف سیاسی (تروریسم سیاسی) به وقوع می‌پیوست (Clitear, 2007: 38)؛ به عنوان مثال گروه‌های تروریستی چپ بدین خاطر از ترور استفاده می‌کردند که دولت‌های خود را مجبور کنند تا با سیستم سرمایه‌داری به مبارزه برخیزد و یا گروه‌های تروریستی نژادگرا خواستار استقلال خود بوده‌اند. به همین دلیل نیز خواسته‌های آنها قابل مذاکره بوده است (Hoffman, 2001: 417-418). علاوه بر این ایدئولوژی و اهداف انتخاب شده توسط تروریست‌های قدیمی تر واقع بینانه‌تر و قابل فهم بوده است. آنها نمی‌توانستند دست به کشتار جمعی بزنند؛ چرا که متحدان و حمایت‌کننده‌های خود را از دست می‌دادند. بر همین اساس نیز در انتخاب اهداف خود بیشتر دقت می‌کردند و اغلب اهدافی را انتخاب می‌کردند که ارزش سمبولیک داشته باشند (از قبیل رهبران سیاسی، سران حکومت، سفارتخانه‌ها، و ساختمان‌های نظامی و مالی). در واقع آنها از اعمال خود به عنوان تبلیغی برای افزایش حمایت‌های عمومی استفاده می‌کردند (Spencer, 2006: 6-7). این نوع از تروریسم می‌خواست تحولی، حتی به غلط، در جهان ایجاد کند (شجائیان، ۱۳۸۵: ۷).

ویژگی دیگر تروریسم قدیمی استفاده از سلاح‌های متعارفی از قبیل اسلحه‌های کمری و خودکار و یا بمب می‌باشد و علاقه‌ی کمتری به سلاح‌های کشتار جمعی از خود نشان داده‌اند. همکاری با دولت‌ها، ویژگی دیگر این نوع از تروریسم می‌باشد. در طول جنگ سرد اغلب گروه‌های تروریستی به یکی از قدرت‌های برتر وابسته بوده‌اند. سرانجام اینکه تروریسم قدیمی یک ساختار سلسله‌مراتبی داشت که همه‌ی بخش‌های آن توسط رهبر یا هسته‌ی رهبری کنترل می‌شد. به عبارت دیگر همه‌ی سازمان‌های تروریستی قدیمی به صورت هرمی بوده‌اند که در آنها رهبری، در بالای هرم، همه‌ی سیاست‌ها و نقشه‌ها را طرح‌ریزی می‌کرده و در مقابل، در قاعده‌ی هرم، اعضای سازمان از همه‌ی دستورالعمل‌ها اطاعت کرده، به اشاعه‌ی اهداف سازمان می‌پرداخته‌اند. (Spencer, 2006: 7-8)

نقیب زاده معتقد است که «در دنیای حاضر، تروریسم به دلیل وضعیت خاصی که جهان از نظر ارتباطات و ساختار نظام بین المللی پیدا کرده، مشغله عمده دولت‌ها شده، و در این وضعیت جدید ممکن است تروریسم به تنها راه مبارزه علیه وضعیت موجود تبدیل شود». به نظر ایشان «در دنیای کنونی مراکز واحد قدرتی وجود ندارد و قدرت‌ها در حوزه‌ها و نقاط جغرافیایی مختلف پراکنده-اند و تروریسم هم، به تبع این وضعیت خاص سیاسی، تغییر شکل داده و یک حالت کور و در واقع بی‌هدف به خود گرفته که بسیار نگران کننده است.» (نقیب زاده، ۱۳۸۵: ۵) برگسون و لیزاردو<sup>۱</sup> نیز معتقدند که تروریسم جدید در دهه‌های گذشته، خود را با تغییراتی که در سیستم جهانی رخ داده، وفق داده است. به عبارت دیگر هر چه سیستم حاکم بر جهان تغییر کرده است، تروریسم نیز همانند سایر شکل‌های درگیری، از جمله جنگ، تغییر کرده است. به نظر آنها تروریسم جدید بر اساس سیستم جهانی موجود، سه نوع می‌باشد: نوع اول تروریسمی می‌باشد که توسط بازیگران اصلی سیستم جهانی، علیه سازمان‌های دولتی اصلی در سیستم جهانی، به کار گرفته می‌شود؛ نوع دوم تروریسمی است که از مناطق حاشیه‌ای و نیمه حاشیه‌ای برمی‌خیزد و علیه دولت‌های همان مناطق نیز به کار گرفته می‌شود؛ نوع سوم تروریسمی است که ریشه در مناطق حاشیه‌ای و نیمه حاشیه‌ای دارد؛ اما علیه دولت‌های هسته اصلی به کار می‌رود (Bergesen, and Lizardo, 2004:39-40).

مشکل است بتوان دقیقاً ذکر کرد که تروریسم جدید از چه زمانی شروع شده است؛ اما به نظر اغلب صاحب نظران، تروریسم جدید از میانه‌ی دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی و از بمب‌گذاری در مرکز تجارت جهانی در نیویورک (۱۹۹۳) و حمله فرقه آئوم شینریکیو<sup>۲</sup> به مترو توکیو (۱۹۹۵) شروع شده است (Spencer, 2006:9). این نوع از تروریسم ویژگی‌هایی دارد که آن را از اخلاقیات متمایز می‌سازد. تفاوت‌های میان تروریسم جدید و قدیم به طور خلاصه در جدول شماره ۱ آمده است.



## ویژگی‌های تروریسم جدید

### ۱. استفاده ابزاری از مذهب

الهیات رادیکال و خشونت مذهبی از جمله عوامل بی‌ثباتی در قرن بیست و یکم محسوب می‌شوند. این نوع از الهیات از ایدئولوژی مذهبی رادیکال به مثابه ابزاری برای رسیدن به اهداف سیاسی استفاده می‌کند. بر همین اساس نیز بارزترین وجه تمایز تروریسم جدید، تأکید آن بر مذهب می‌باشد (Brown, 2007: 31). در واقع، انگیزه‌های مذهبی به عنوان اصلی‌ترین ویژگی تروریسم جدید شناخته می‌شود که سیستم ارزشی جدید، مکانیزم مشروعیت بخشی جدید و جهان بینی جدیدی را به وجود می‌آورد. (Copeland, 2001:95) یزدانی و خدابنده، ۱۳۸۶: ۸۶۰) مثال‌هایی از تروریسم در همه‌ی سنت‌های مذهبی پیدا می‌شود.<sup>۱</sup> هیچ مذهبی را نمی‌توان به عنوان مذهبی تروریستی قلمداد کرد (Juergensmeyer, 2005:28). در واقع در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بود که به تدریج فاکتور مذهب در مناسبات سیاسی نقش بارزتری پیدا کرد و این امر در همه‌ی مذاهب و کشورها دیده می‌شود (Neumann, 2009).

مذهب بیشتر به عنوان ارتباط دهنده‌ی انگیزه‌ها و اهداف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به کار گرفته می‌شود. پس مذهب نه علت مستقیم تروریسم و نه علت افراط‌گرایی سیاسی می‌باشد. در حال حاضر بسیاری از گروه‌های تروریستی سابق که علایق جدایی‌خواهانه، نژادی و یا ایدئولوژیکی داشتند، به سازمان‌هایی پیوسته‌اند که انگیزه‌های ملی‌گرایی و ایدئولوژیکی آنها چندان قابل فهم نیست. این سازمان‌های تروریستی جدید اهداف مذهبی و هزاره‌گرا دارند و خشونت بیش از حد را ترویج می‌کنند (Hoffman, 1999: 9). در واقع انگیزه‌های مذهبی باعث شده است تا تروریست‌ها خشونت را وظیفه‌ای الهی برای خود دانسته و در نتیجه برای اعمال خود مشروعیت مذهبی ارائه کنند (Copeland, 2001: 97). در مقابل، تروریسم نوع قدیمی‌تر که می‌توان گفت سکولار بود، از خشونت صرفاً برای رسیدن به خواسته‌هایش و بیشتر برای تغییر سیستم حاکم به نفع خود استفاده می‌کرد (Brown, 2007: 9).

۱. برای بررسی نقش الهیات مسیحی و یهودی در به وجود آمدن تروریسم رجوع شود به:

Brinkley, David, *Radical Theology as a Destabilizing aspect of the 21st Century Strategic Security Continuum*, U.S. War College, Carlisle Barracks, Pennsylvania, 2006, available at: [www.dtic.mil/cgi-bin/GetTRDoc?AD=ADA448500 & Location=U2&doc=GetTRDoc.pdf](http://www.dtic.mil/cgi-bin/GetTRDoc?AD=ADA448500 & Location=U2&doc=GetTRDoc.pdf)

در بسیاری از موارد گروه‌های تروریستی دارای علایق مذهبی از دیدگاه ایدئولوژی کلی گرایانه برخوردارند؛ بدین معنی که دنیا را میدان نبرد میان خیر و شر<sup>۱</sup> می‌دانند. در همین راستا نیز از واژه-گانی کیهانی<sup>۲</sup> و دیالکتیکی از قبیل مومنین در مقابل کافران، نظم علیه هرج و مرج و عدالت علیه بی‌عدالتی استفاده می‌کنند. در نتیجه اکثر این گروه‌ها از سمبل‌های مذهبی برای جمع کردن مردم در اطراف خود استفاده می‌کنند (Ranstorp, 1996: 49). آنان خود را مستضعفینی معرفی می‌کنند که برای احقاق حق خود علیه ستمگران قیام کرده‌اند و می‌خواهند ملت خود را یا از دست حاکمان ظالم و یا از دست دشمنان خارجی نجات دهند. با این همه به دلیل اینکه بیشتر تروریست‌های مذهبی تمایل دارند که شهروندان غیر نظامی را مورد هدف قرار دهند و هیچ توجهی به جنس و سن اهداف ندارند، در نتیجه از سوی قسمت اعظمی از هم‌کیشان خود طرد شده و می‌شوند (Ashraf, 2004: 36).

نوع جنگی نیز که تروریست‌های مذهبی به راه انداخته‌اند، ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. این جنگ‌ها غیر عادی، غیر متعارف و غیر متمرکز شده‌اند. این گروه‌ها بر خلاف جنگ‌های سابق هم دولت‌ها و هم ملت‌ها را هدف قرار می‌دهند. اعضای این گروه‌ها هیچ یونیفورمی نمی‌پوشند و اهداف خود را از میان مردم عادی انتخاب می‌کنند. قوانین جنگی سابق نیز که دولت-ملت‌ها را تحت پوشش قرار می‌داد، نمی‌تواند تروریست‌ها و دولت‌های حمایت‌کننده از آنها را تحت سیطره خود در آورد. با این همه مهمترین ویژگی این گروه‌ها که باعث شده است تا آنها و نوع جنگی را که به راه انداخته‌اند از موارد قبلی متمایز سازد، پایه‌های ایدئولوژی آنها یعنی مذهب می‌باشد (Shults, 2003: 6-7).

برای استفاده و حمایت از خشونت مذهبی باید «دشمنان تعریف شده‌ای» وجود داشته باشند. مشخص کردن دشمن و تصمیم برای استفاده از خشونت علیه آنان به میزان و عمق بحرانی بستگی دارد که ایمان و جوامع گروه‌های تروریستی را تهدید می‌کند. در سطح داخلی ممکن است که مخالفت‌ها به سمت فساد و بی‌عدالتی‌های سیستم سیاسی و یا سایر جوامع مذهبی هدایت شود. در سطح خارجی نیز ممکن است علیه نیروهای خارجی که در جامعه حضور فرهنگی، اقتصادی و یا سیاسی دارند و تهدیدی علیه جامعه مذهبی چنین گروه‌هایی محسوب می‌شوند، تمرکز یابد. به عنوان مثال گرایش‌های ضد غربی و ضد اسرائیلی در میان تروریست‌های مسلمان ریشه در میراث

تاریخی فشار سیاسی غرب بر این جوامع و در نتیجه به حاشیه رانده شدن اجتماعی و اقتصادی این جوامع دارد. از طرف دیگر افزایش ایدئولوگ‌های سکولار و غیر مشروع شدن نخبگان سیاسی و اقتصادی معاصر، بویژه بعد از شکست اعراب از اسرائیل در سال ۱۹۶۷، نیز در به وجود آمدن چنین گرایش‌هایی بی‌تأثیر نبوده‌اند (Shults, 2003: 52-53).

گروه‌های تروریستی مذهبی از «وسایل، روش‌ها و زمان‌هایی» استفاده می‌کنند که بیشترین تأثیر را داشته باشد (Ashraf, 2004: 36). آنها در مقابل دشمنان ابر قدرت خود از عملیات‌های انتحاری استفاده می‌کنند. این عمل باعث می‌شود که سایرین نیز راه آنها را ادامه دهند. حزب الله لبنان در سال ۱۹۸۳ علیه سربازان فرانسوی و آمریکایی حاضر در لبنان از این وسیله استفاده کرد. نتایج به دست آمده به حدی غیر قابل انتظار بود که باعث شد تا حماس نیز برای تحت تأثیر قرار دادن فرایند صلح اسرائیل و فلسطین از آن استفاده کند. اهداف انتخابی از سوی گروه‌های تروریستی مذهبی سمبولیک می‌باشد. این امر باعث می‌شود تا از سویی بیشترین تأثیر روانشناختی را بر روی دشمن بگذارد و از سوی دیگر نیز اعتبار گروه‌های تروریستی را میان هوادارانشان افزایش داد. حمله به نمادهای مهم نیز از جمله اهدافی می‌باشد که به عمد از سوی چنین گروه‌هایی انتخاب می‌شود تا واکنش دشمن را در پی داشته باشد. حمله به مسجد الاقصی در سال ۱۹۸۲ از سوی تندروهای یهودی از جمله این موارد می‌باشد که از سوی متعصبین یهودی طرح ریزی شده بود تا بین یهودیان و مسلمانان جنگ به راه اندازد. زمانی نیز که از سوی گروه‌های تروریستی مذهبی برای حمله انتخاب می‌شود، حساب شده است. این زمانها طوری انتخاب می‌شوند که یا با ایام مذهبی خود این گروه‌ها تطابق داشته باشد و یا اینکه به تعطیلات مذهبی و ماه‌های مقدس دشمنانشان بی‌حرمتی شود. به عنوان مثال حمله نژادپرستان سفید پوست به ساختمان فدرال اکلاهاماسیتی از سوی مصادف بود با دومین سالگرد حمله اف.بی.آی (FBI) به شاخه این گروه در تگزاس و از سوی دیگر برابر بود با دویست و بیستمین سالگرد شروع انقلاب آمریکا (Ranstorpe, 1996: 55-56).

## ۲. ساختار سازمانی متفاوت

ساختار سازمان‌های رسمی به صورت هرمی<sup>۱</sup> شکل گرفته است. بدین معنی که اعضای آن در قاعده‌ی هرم و گروه مدیریتی یا رئیس در رأس هرم قرار گرفته‌اند. این شکل از ساختار سازمانی در گروه‌های سیاسی، اجتماعی، مذهبی و نظامی دیده می‌شود. جایگزین ساختار هرمی، سیستم سلولی یا شبکه‌ای می‌باشد. در این نوع از ساختار سازمانی هیچ گونه کنترل مرکزی بر اعضا و یا سلولها وجود ندارد و همه‌ی سلولها به صورت مستقل عمل می‌کنند و هیچ وقت گزارشی به ستاد فرماندهی ارائه نمی‌کنند. این نوع از ساختار، «مقاومت بدون رهبری»<sup>۲</sup> نیز نامیده می‌شود که در گروه‌های تروریستی جدید وجود دارد. در واقع چنین ساختاری به همه گروه‌های منفرد تشکیل دهنده‌ی یک سازمان این اجازه را می‌دهد که به تنهایی دست به عمل بزنند. سابقه چنین ساختاری به دوران انقلاب آمریکا برمی‌گردد که گروه‌های مبارز از آن استفاده می‌کردند (Lesser, 1992; Beam, 1999).

مقاومت بدون رهبری سیستمی است که در آن سازمان براساس اعضا و سلول‌هایش به فعالیت می‌پردازد و از هیچ هسته‌ی رهبری و یا کنترلی برخوردار نیست. (Tucker, 2001: 1) در واقع مبارزان به خواست خود، به عضویت در شبکه در می‌آیند و آزادند به ایجاد سلول در محیط پیرامونی خود بپردازند. در نتیجه ضربه زدن به پرسنل و سازمان‌ها باعث از میان رفتن شبکه‌ها نمی‌شود (Copeland, 2001: 14). به عبارت دیگر، ساختار گروه‌های تروریستی جدید به نحوی است که به سختی قابل شناسایی می‌باشند. این گروه‌ها، به دلیل جایگزین شدن روابط شخصی به جای روابط سلسله مراتبی، به جای اینکه سازمان قلمداد شوند، بیشتر تحت عنوان شبکه توصیف می‌شوند (Neumann, 2009).

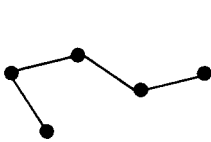
گروه‌های تروریستی جدید، به دلیل اینکه «بیشتر به وسیله یک ایدئولوژی مشترک و نه به صورت فیزیکی» شکل یافته‌اند، تحت عنوان دولت مجازی نیز یاد می‌شوند. در واقع دولت مجازی، «طرحی فراگیر است که بر شبکه‌ای از سازمان‌ها حاکم بوده و به طور ایده‌آل پیوندهایی نامرئی پدید می‌آورد که طرح را نگه می‌دارد. شبکه ترور رهبری عملیات ندارد بلکه از واحدهایی تشکیل شده که به سرعت در بخش‌های مختلف جهان شکل می‌گیرند.» علاوه بر این انعطاف پذیری در ساختار سازمانی، «این امکان را برای واحدهای دوردست به وجود می‌آورد که بدون

1. Pyramid

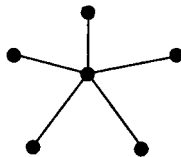
2. Leaderless Resistance

اطلاع از دستورات مرکزی که فاقد وجود فیزیکی است، دست به عملیات تروریستی بزنند و به صورت یک دولت مجازی عمل کنند. این ساختار انعطاف پذیر این امکان را فراهم می‌آورد تا عملیات شبکه به لحاظ اقتصادی و پرسنل کارآمدتر شود (ارس، ۱۳۸۶: ۱۸۵-۱۹۱).  
به طور کلی سه نوع شبکه وجود دارد (نمودار شماره ۲). اولی شبکه‌ی زنجیره‌ای<sup>۱</sup> نامیده می‌شود که در آن مردم، کالاها و یا اطلاعات در یک خط ارتباطی حرکت می‌کنند و دارای نقاط اتصال جداگانه‌ای می‌باشند. این نوع از شبکه برای سازمان‌های قاچاق مناسب می‌باشد. دومین نوع، کانونی<sup>۲</sup> می‌باشد که بیشتر در شرکت‌های تجاری دیده می‌شود و در آن همه‌ی بازیگران سعی می‌کنند تا هسته یا بازیگر اصلی شبکه باشند. گروه‌های تروریستی قدیمی و نیز جنایی از این نوع از شبکه استفاده می‌کردند. شبکه سلولی یا پیچیده<sup>۳</sup> سومین نوع از ساختار شبکه‌ای می‌باشد که در گروه‌های نظامی کوچک دیده می‌شود جایی که هر گروهی به گروه دیگر متصل است و ارتباطات و عدم تمرکز بالایی در شبکه حاکم می‌باشد. گروه‌های تروریستی جدید از چنین شبکه‌ای استفاده می‌کنند (Arquilla, Ranfeldt & Zanini, 1999: 49-50).

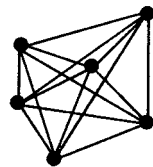
### نمودار شماره ۲: انواع شبکه‌های سازمانی



شبکه زنجیره‌ای



شبکه کانونی



شبکه سلولی (پیچیده)

### ۳. فراملی بودن و عدم نیاز به حمایت از جانب دولت‌ها

امروزه تروریسم از تهدیدی ملی به تهدیدی بین‌المللی تبدیل شده و در عصر جهانی شدن و فناوری‌های پیشرفته، دیگر اقدامات تروریستی محصور در مرزهای ملی یا منطقه‌ای نمانده است (زین‌العابدین، ۱۳۸۶: ۷۱۲). تروریسم جدید، جامعه‌ی جهانی را در بر گرفته است. گستره‌ی جغرافیایی تروریسم قدیمی، داخلی و یا حداکثر منطقه‌ای بود. در مقابل تروریسم جدید در

1. Chain network
2. Hub network
3. All-channel network

فراسوی مرزهای ملی و منطقه‌ای فعالیت کرده و بالطبع تأثیر جهانی داشته و امنیت و صلح جهانی را تهدید می‌کند (Barzegar, 2004: 114; Lesser, 1999: 86). تروریسم جدید توسط گروه‌هایی انجام می‌شود که در مناطق حاشیه‌ای و یا نیمه حاشیه‌ای جهان قرار دارند، اما اهداف واقع در هسته‌ی اصلی و یا اهداف متعلق به آنها در سراسر جهان (از جمله پایگاه‌های نظامی و سفارتخانه‌ها) را مورد هدف قرار می‌دهند. به عبارت دیگر این نوع از تروریسم فراملیتی<sup>۱</sup> بوده و مرزهای ملی را درمی‌نوردد (Bergesen, and Lizardo, 2004: 49).

با وجود اینکه حمایت‌کننده‌های دولتی هنوز هم نقش مهمی در تروریسم جدید ایفا می‌کنند، اما جهانی‌شدن و در نتیجه راحتی حرکت مردم و پولهایشان فرصتی در اختیار تروریست‌ها قرار داده است تا منابع مالی خود را از طریق راه‌های غیرقانونی و جنایت‌آمیز به دست آورند. به عنوان مثال اعضای از بیرهای تأمیل که در اروپای غربی دستگیر شده‌اند، به دست داشتن در قاچاق دارو اعتراف کرده‌اند. بعضی از گروه‌های تروریستی نیز با سازمان‌های جنایی همکاری می‌کنند که از جمله‌ی آنها می‌توان به همکاری گروه جدایی طلب فارک با سازمان‌های قاچاق مواد مخدر در پرو و کلمبیا اشاره کرد (Copeland, 2001: 96).

در راستای عدم پشتیبانی از سوی دولت‌ها، اعضای تروریسم جدید بیشتر آماتور (غیر حرفه‌ای) می‌باشند و به طور کامل از جامعه‌های خود جدا نمی‌شوند. این افراد بیشتر آموزش‌های خود را از طریق راه‌های غیررسمی (از جمله اینترنت) به دست می‌آورند (Hoffman, 1999: 20-26). آماتور بودن اعضای چنین سازمان‌هایی باعث می‌شود تا به آموزش زیاد و حمایت‌های لجستیکی زیادی نیاز نداشته باشند. علاوه بر این خود شبکه‌ها حمایت‌های لازم را از آنها به عمل می‌آورند و نیازی به حمایت‌های دولتی ندارند. به دلیل آماتور بودن تروریست‌های جدید و فعالیت‌های آنها در زندگی روزمره، شناسایی آنها نیز سخت‌تر شده است؛ چرا که از یک سو تا قبل از دست زدن به اعمال تروریستی، کسی آنها را نمی‌شناسد و از سوی دیگر بعد از عملیات نیز بلافاصله از گروه جدا شده و به فعالیت‌های عادی و زندگی روزمره‌ی خود می‌پردازند (Tucker, 2001: 2; Spencer, 2006: 11-12; and: Copeland, 2001: 97).

#### ۴. استفاده از تکنولوژی‌های جدید و سلاح‌های کشتار جمعی

تروریسم جدید از امکانات و قابلیت‌های جهانی شدن به ویژه جهانی شدن صنعتی، به خوبی بهره می‌برد. (پورسعید، ۱۳۸۵: ۸۲۹) تکنولوژی‌های جدید، به ویژه تکنولوژی ارتباطات، و سلاح‌های کشتار جمعی<sup>۱</sup> فرصت‌های بی‌بدیلی را در اختیار تروریست‌های جدید قرار داده است تا خطرناک‌تر از تروریست‌های سابق شده و در نتیجه در گستره‌ی وسیع‌تری دست به کشتار بزنند. تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات امکان ارتباط راحت‌تر تروریست‌ها را با یکدیگر فراهم کرده است. آنان از تکنولوژی برای حمله به اهداف و نیز حفظ ساختار سازمانی خود استفاده می‌کنند (Bell and Chris Hables, 2004: 37). علاوه بر این تکنولوژی‌های جدید امکان دسترسی بیشتر آنها را به سلاح‌های کشتار جمعی در اختیارشان قرار می‌دهد که در این میان سلاح‌های بیولوژیکی و شیمیایی قابل دسترس‌تراند (Morgan, 2004: 39; Tucker, 2001: 1).

از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ گروه‌های تروریستی‌ای که بیشتر علایق مذهبی و هزاره‌گرا داشتند به سمت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی روی آوردند که از جمله‌ی آنها می‌توان به فرقه‌ی آئوم شینریکیو<sup>۲</sup> و سازمان القاعده اشاره کرد (Hudson, 1999: 1-4). دلیل استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی نیز این است که معتقدند افزایش خشونت تأثیر بیشتری بر افکار عمومی خواهد گذاشت. در واقع استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی باعث شده است تا حملات گروه‌های تروریستی جدید فاجعه آمیز شده و منجر به مرگ هزاران آدم بی‌گناه و شهروندان عادی شود (Simon and Benjamin, 2002: 66). تروریست‌های جدید قربانیان خود را به صورت کاملاً تصادفی انتخاب می‌کنند (Doyvesteyn, 2004: 439). اعضای فرقه آئوم شینریکیو بر این باورند که بعد از کشتار در مترو توکیو توانستند توجه جهانیان را به خواسته‌های خود جلب کنند (Hoffman, 1999: 13). علاوه بر این آنها خود را تنها در مقابل خدا مسئول دانسته و

#### 1. Weapons of Mass Destruction (WMD)

برای بررسی نحوه استفاده تروریست‌ها از سلاح‌های کشتار جمعی رجوع شود به:

Tucker, Jonathan B., "Historical Trends Related to Bioterrorism: An Empirical Analyses", *Emerging Infectious Diseases*, Center for Diseases Control and Prevention, July & August 1999, available at: [www.cdc.gov/ncidod/eid/vol5no4/tucker.html](http://www.cdc.gov/ncidod/eid/vol5no4/tucker.html)

۲. برای بررسی پیشینه، عقاید و رهبران این فرقه رجوع شود به:

Hudson, Rex A., *The Sociology and Psychology of Terrorism: Who Becomes a Terrorist and Why?*, Washington, D.C.: University Press of The Pacific, 1999, 111-125

اعمال خود را به مثابه تقابل خیر و شر قلمداد می‌کنند. بر همین اساس نیز به هیچ‌گونه مذاکره‌ای اعتقاد ندارند. «آنها نمی‌خواهند روی نیمیکت بشینند، بلکه می‌خواهند نیمیکت و هر کسی را که در آن نشسته است نابود کنند» (Morgan, 2004: 30-31; Spencer, 2006: 9-10).

### جدول شماره ۱: تفاوت‌های میان تروریسم جدید و قدیمی

تروریسم جدید	تروریسم قدیمی	
استفاده از مذهب به عنوان مشروعیت دهنده	از نظر مذهبی بیشتر سکولار هستند	نوع نگاه به مذهب
شبکه‌ای	سلسله مراتبی	نوع سازمان
سلاح‌های غیر متعارف (به ویژه سلاح‌های کشتار جمعی)	سلاح‌های متعارف	نوع سلاح‌های مورد استفاده
کشتار محدود و انتخاب شده	کشتار جمعی و فاجعه آمیز	میزان کشتار
هزاره گرا و فاقد اهداف سیاسی ملموس	واقع بین و دارای اهداف سیاسی ملموس	اهداف انتخابی
آماتور	حرفه‌ای	اعضاء
فراملی و در گستره جهانی	ملی و منطقه‌ای	گستره فعالیت

### نتیجه گیری

والتر لاکوور در مقاله ای که به سال ۱۹۹۶ نوشت پیش‌بینی کرده بود که با پایان قرن بیستم و آغاز هزاره‌ی جدید، تروریسم جایگزین جنگ‌های بزرگ در طول قرن‌های نوزدهم و بیستم خواهد شد (Laqueur, 1996). به نظر می‌رسد که این پیش‌بینی وی به واقعیت بدل شده است. تروریست‌های جدید کمتر از اسلاف خود در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ ایدئولوژیک هستند و در عین حال بیشتر از آنها به اعتراضات مذهبی و قومی متوسل می‌شوند. تروریسم جدید هیچ محدودیتی را چه در داخل و چه در خارج بر نمی‌تابد. این نوع از تروریسم بین‌المللی بوده و به عبارتی به طور واقعی جهانی محسوب می‌شود. شهروندان عادی را بیشتر از نظامیان مورد هدف قرار می‌دهد. همیشه در حال جا به جایی است و از این بابت مثل زنبوران عسل در کند و عمل می‌کند. از تکنولوژی‌های جهانی ارتباطات و اطلاعات استفاده می‌کند. سلول‌هایش که نقش شبکه‌های اطلاعاتی را نیز ایفا می‌کنند، آن را قادر می‌سازد تا همیشه خود را بازیابی کرده و به قید و بندهای رسمی و شناخته شده مقید نباشد. از اهمیت رسانه‌های همگانی برای تحت تأثیر قرار



دادن افکار عمومی آگاه بوده و بر استفاده از آن تاکید می کند. از نظر نظامی از پیشرفته ترین تکنولوژی در زمینه تسلیحات نظامی بهره مند می باشد. در مورد منابع مالی همانند کارت های قاچاق دارو عمل می کند، و علاوه بر همه اینها، اطلاعات کافی در مورد سلاح های بیولوژیکی نیز در اختیار این نوع از تروریسم قرار دارد که هر زمان اراده کند می تواند از آن استفاده کند. تروریسم جدید بیشتر از کشورهای پیشرفته در کشورهای در حال توسعه به وجود می آید.

### فهرست منابع

#### - فارسی

- ارس، بولنت. (۱۳۸۶). «القاعده، جنگ علیه تروریسم و ترکیه»، ترجمه حسن نقدی نژاد و امیر محمد سوری، در: **سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ترکیه، پژوهش نوزدهم**، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- بخشی شیخ احمد، مهدی. (۱۳۸۷). القاعده و تروریسم مذهبی، **علوم سیاسی**، سال یازدهم، شماره ۴۱، بهار.
- بدی، توماس جی. (۱۳۷۸). «تعریف تروریسم بین المللی: نگرش علمی»، ترجمه سید رضا میر طاهر، **مجله مطالعات راهبردی**، شماره ۵ و ۶، ۱۳۷۸.
- پور سعید، فرزاد. (۱۳۸۵). «تروریسم نوین و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، **مطالعات راهبردی**، سال نهم، شماره ۴، ۱۳۸۵.
- زین العابدین، یوسف. (۱۳۸۶). «تروریسم: چالش ژئوپلیتیکی نوین در جهان»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و یکم، شماره ۳، پاییز.
- سلیمانی، رضا. (۱۳۸۵). «آشفته گویی معنایی تروریسم»، **علوم سیاسی**، سال نهم، شماره ۳۶، زمستان.
- شجائیان، رضا (۲/۵/۱۳۸۵) «تاریخچه تروریسم از قرن هجدهم تا امروز؛ آدمکشی به شیوه نوین»، **روزنامه اعتماد**، شماره ۱۱۶۹.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۳) «آنارشیسیم؛ گذشته، حال و آینده»، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، شماره ۶۵، پائیز.
- نقیب زاده، احمد (۱۳۸۵) «کارکردهای آشکار و پنهان تروریسم»، **ماهنامه زمانه**، شماره ۵۱، آذر ماه.
- یزدانی، عنایت الله و خدابنده، محمد (۱۳۸۶) «علل تحول تروریسم در عصر پست مدرن»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و یکم، شماره ۴، زمستان.

- لاتین

- Arquilla, John & Ranfeldt, David & Zanini, Michele (1999) "Networks, Net wars, and Information-Age Terrorism", in: **Countering the New Terrorism**, eds. Ian O. Lesser et al, Santa Monica, Calif: RAND.
- Ashraf, M. A.(2004)"True Islamic Teachings Compared to Al-Qaeda's Doctrine", **The Review of Religions**, Vol. 99, No. 4, April.
- Barzegar, Keyhan (2005) "The Middle East and the "New Terrorism"", **Journal on Science and World Affairs**, Vol. 1, No. 2.
- Beam, Louis (1992) "Leaderless Resistance", **The Seditonist**, Issue 12, February, also available at: [www.louisbeam.com/leaderless.html](http://www.louisbeam.com/leaderless.html)
- Bell, Kevin & Gray, Chris Hables (2004) "Understanding Postmodern Terrorism" in: Bryan Lee Cummings (eds.), **Beyond The Campaign: The Future of Terrorism**, New York: CENSA.
- Bergesen, Albert J. & Lizardo, Omar A. (2004) "International Terrorism and the World-System", **Sociological Theory**, Vol. 22, No. 2.
- Brinkley, David (2006) **Radical Theology as a Destabilizing aspect of the 21st Century Strategic Security Continuum**, U.S. War College, Carlisle Barracks, Pennsylvania, 2006, available at: [www.dtic.mil/cgi-bin/GetTRDoc?AD=ADA448500&Location=U2&doc=GetTRDoc.pdf](http://www.dtic.mil/cgi-bin/GetTRDoc?AD=ADA448500&Location=U2&doc=GetTRDoc.pdf)
- Brown, Cady (2007) "The New Terrorism Debate", **Alternatives: Turkish Journal of International Relations**, Vol. 6, No. 3&4, Full & Winter.
- Clitear, Paul (2007) "The Postmodern Interpretation of Religious Terrorism" **Free Inquiry**, vol. 27, No. 2, February & March.
- Copeland, Thomas.(2001)."Is the "New Terrorism" Really New?" An Analysis of the New Paradigm for Terrorism", **Journal of Conflict Studies**, Vol. XXI, NO. 2.

- Doyvesteyn, Isabelle.(2004).“how new Is the New Terrorism?” **Studies in Conflict & Terrorism**, Vol. 27, No. 5, March.
- Garrison, Arthur H.(2003).“Terrorism: the Nature of Its History”, **Criminal Justice Studies**, Vol. 16(1).
- Hoffman, Bruce.(1999).“Terrorism Trends and Prospects”, in: **Countering the New Terrorism**, eds. Ian O. Lesser et al, Santa Monica, Calif: RAND.
- Hoffman, Bruce.(2001).“Change and Continuity in Terrorism”, **Studies in Conflict and Terrorism**, vol. 24.
- Hudson,Rex A.(1999).**The Sociology and Psychology of Terrorism: Who Becomes a Terrorist and Why?**, Washington, D.C.: University Press of The Pacific.
- Juergensmeyer, Mark.(2005).“Religion”, in: **The Club de Madrid, Addressing the Causes of Terrorism**, Madrid, Scholz & Friends.
- Laqueur, Walter.(1996).“Postmodern Terrorism: New Rules for an Old Game”, **Foreign Affairs**, Vol. 75, No. 5, September & October.
- Lesser, Ian O.(1999).“Countering The New Terrorism: Implications for Strategy”, in: **Countering the New Terrorism**, eds. Ian O. Lesser et al, Santa Monica, Calif: RAND.
- Manin, Bernard.(2008).“The Emergency Paradigm and The New Terrorism”, Publie dans Sandrine Baume, Biancameria Fontana, (dir, de), **Les Usages de la Separation des Pouvoirs**, Paris, Michel Houdiard.
- Morgan, Matthew J. (2004).“The Origins of the New Terrorism”, **Parameters**, Vol. XXXIV, NO. 1, 22 March.
- Neumann, Peter R. (2009) “Old and New Terrorism”, **International Relations**, Vol. 4, Issue 3.
- Ranstorp, Magnus.(1996).“Terrorism in the Name of Religion”, **Journal of International Affairs**, Vol. 50, No. 1, summer.

- Rapaport, David C.(2004).“The Four Waves of Modern Terrorism”, In: A. K. Cronin and J.M. Ludes (eds.), **Attacking Terrorism: Elements of a Grand Strategy**, Georgetown University Press.
- Shughart, William F.(2006).“An Analytical History of Terrorism, 1945-2000”, **Public Choice**, Vol. 128, No. 1, spring.
- Shults, Richard H.(2003).“It Is War! Fitting Post-11 September Global Terrorism through a Doctrine of Preemption”, **Terrorism and Political Violence**, Vol. 15, No.1, spring.
- Simon, Steven and Benjamin, Daniel.(2002).“America and the New Terrorism”, **Survival**, Vol. 42, No. 1, spring.
- Spencer, Alexander.(2006).“Questioning the Concept of "New Terrorism"”, **Peace Conflict and Development**, Issue 8, January.
- The New Encyclopedia Britannica,(1986),Vol. II, Micropaodia.
- Tucker, David.(2001).“What's New about the New Terrorism and How Dangerous Is It?” **Terrorism and Political Violence**, No. 13, Autumn.
- Tucker, Jonathan B.(1999)“Historical Trends Related to Bioterrorism: An Empirical Analyses”, **Emerging Infectious Diseases**, Center for Diseases Control and Prevention, July & August, available at: [www.cdc.gov/ncidod/eid/vol5no4/tucker.html](http://www.cdc.gov/ncidod/eid/vol5no4/tucker.html)
- Weinberg, Leonard & Pedahzur, Ami & Hirsh-Hoefler, Sirvan (2004) “The Challenge of Conceptualizing Terrorism”, **Terrorism and Political Violence**, Vol. 16, No. 4.